

الحکم علی یسوع

¹فَجَبَّتِيذٍ أَخَذَ بِيَلَاطُسُ يَسُوعَ وَجَلَّدَهُ. ²وَصَفَرَ الْعَشَكُرَ إِكْلِيلًا مِنْ شَوْكٍ وَوَضَعُوهُ عَلَى رَأْسِهِ وَالتَّبَسُّوهُ تَوْبَ أَرْجَوَانٍ، وَكَانُوا يَقُولُونَ: السَّلَامُ، يَا مَلِكَ الْيَهُودِ، وَكَانُوا يَطْلُمُونَهُ. ⁴فَخَرَجَ بِيَلَاطُسُ أَيْضًا خَارِجًا وَقَالَ لَهُمْ: هَا أَنَا أَخْرِجُهُ إِلَيْكُمْ لِتَعْلَمُوا أَنِّي لَسْتُ أَجِدُ فِيهِ عِلَّةً وَاجِدَةً. ⁵فَخَرَجَ يَسُوعُ خَارِجًا وَهُوَ حَامِلُ إِكْلِيلِ الشَّوْكِ وَتَوْبِ الْأَرْجَوَانِ، فَقَالَ لَهُمْ بِيَلَاطُسُ: هُوَذَا الْإِنْسَانُ. ⁶فَلَمَّا رَأَهُ رُؤَسَاءُ الْكَهَنَةِ وَالْخَدَّامُ صَرَحُوا: اضْلِيئِهِ، اضْلِيئِهِ. قَالَ لَهُمْ بِيَلَاطُسُ: خُذُوهُ أَنْتُمْ وَاضْلِيئُوهُ لِأَنِّي لَسْتُ أَجِدُ فِيهِ عِلَّةً. ⁷أَجَابَهُ الْيَهُودُ: لَنَا تَامُوسٌ وَحَسَبَ تَامُوسًا يَجِبُ أَنْ يَمُوتَ لِأَنَّهُ جَعَلَ نَفْسَهُ ابْنَ اللَّهِ. ⁸فَلَمَّا سَمِعَ بِيَلَاطُسُ هَذَا الْقَوْلَ ارْزَادَ خَوْفًا. ⁹فَدَخَلَ أَيْضًا إِلَى دَارِ الْوَلَايَةِ وَقَالَ لِيَسُوعَ: مِنْ أَيْنَ أَنْتَ؟ وَأَمَّا يَسُوعُ فَلَمْ يُعْطِهِ جَوَابًا. ¹⁰فَقَالَ لَهُ بِيَلَاطُسُ: أَمَّا تُكَلِّمُنِي؟ أَلَسْتُ تَعْلَمُ أَنَّ لِي سُلْطَانًا أَنْ أَضْلِيئَكَ وَسُلْطَانًا أَنْ أَطْلِقَكَ؟ ¹¹أَجَابَ يَسُوعُ: لَمْ يَكُنْ لَكَ عَلَيَّ سُلْطَانٌ أَلَيْسَ لَوْ لَمْ تَكُنْ قَدْ أُعْطِيتَ مِنْ قَوْنٍ. لِذَلِكَ الَّذِي أَسْلَمَنِي إِلَيْكَ لَهُ خَطِيئَةٌ أُعْطِمْ. ¹²مِنْ هَذَا الْوَقْتِ كَانَ بِيَلَاطُسُ يَطْلُبُ أَنْ يُطْلِقَهُ وَلَكِنَّ الْيَهُودَ كَانُوا يَصْرُخُونَ قَائِلِينَ: إِنْ أُطْلِفْتَ هَذَا فَلَسْتُ مُجِبًا لِقَيْصَرٍ، كُلُّ مَنْ يَجْعَلُ نَفْسَهُ مَلِكًا يَقَاوِمُ قَيْصَرَ. ¹³فَلَمَّا سَمِعَ بِيَلَاطُسُ هَذَا الْقَوْلَ أَخْرَجَ يَسُوعَ وَجَلَسَ عَلَى كُرْسِيِّ الْوَلَايَةِ فِي مَوْضِعٍ يُقَالُ لَهُ الْبَلَاطُ وَبِالْعِبْرَانِيَّةِ: جَبَّانًا. ¹⁴وَكَانَ اسْتِعْدَادُ الْفَصْحِ وَتَحُو السَّاعَةِ السَّادِسَةِ، فَقَالَ لِلْيَهُودِ: هُوَذَا مَلِكُكُمْ. ¹⁵فَصَرَّحُوا: خُذْهُ، اضْلِيئِهِ. قَالَ لَهُمْ بِيَلَاطُسُ: أَأَضْلِبُ مَلِكَكُمْ؟ أَجَابَ رُؤَسَاءُ الْكَهَنَةِ: لَيْسَ لَنَا مَلِكٌ إِلَّا قَيْصَرٌ. ¹⁶فَجَبَّتِيذٍ أَسْلَمَهُ إِلَيْهِمْ لِيُضْلَبَ. فَأَخَذُوا يَسُوعَ وَمَضَوْا بِهِ.

صلب يسوع

¹⁷فَخَرَجَ وَهُوَ حَامِلُ صَلِيْبِهِ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي يُقَالُ لَهُ مَوْضِعُ الْجُمُوعَةِ وَيُقَالُ لَهُ بِالْعِبْرَانِيَّةِ: جُلْجَتُهُ، ¹⁸حَيْثُ صَلَبُوهُ وَضَلَبُوا اثْنَيْنِ آخَرَيْنِ مَعَهُ مِنْ هُنَا وَمِنْ هُنَا، وَيَسُوعُ فِي الْوَسْطِ. ¹⁹وَكَتَبَ بِيَلَاطُسُ عُتْوَانًا وَوَضَعَهُ عَلَى الصَّلِيبِ، وَكَانَ مَكْتُوبًا: يَسُوعُ النَّاصِرِيُّ مَلِكُ الْيَهُودِ. ²⁰فَقَرَأَ هَذَا الْعُتْوَانُ كَثِيرُونَ مِنَ الْيَهُودِ لِأَنَّ الْمَكَانَ الَّذِي صَلِبَ فِيهِ يَسُوعُ كَانَ قَرِيبًا مِنَ الْمَدِينَةِ، وَكَانَ مَكْتُوبًا بِالْعِبْرَانِيَّةِ وَالْيُونَانِيَّةِ

حكم اعدام عيسى

¹پس پیلاطس عیسی را گرفته، تازیانه زد. ²و لشکریان تاجی از خار بافته بر سرش گذاردند و جامه ارغوانی بدو پوشانیدند ³و می‌گفتند: سلام ای پادشاه یهود! و طپانچه بدو میزدند. ⁴باز پیلاطس بیرون آمده، به ایشان گفت: اینک، او را نزد شما بیرون آوردم تا بدانید که در او هیچ عیبی نیافتم. ⁵آنگاه عیسی با تاجی از خار و لباس ارغوانی بیرون آمد. پیلاطس بدیشان گفت: اینک، آن انسان. ⁶و چون رؤسای کهنه و خدام او را دیدند، فریاد برآورده، گفتند: صلیبش کن! صلیبش کن! پیلاطس بدیشان گفت: شما او را گرفته، مصلوبش سازید زیرا که من در او عیبی نیافتم. ⁷یهودیان بدو جواب دادند که: ما شریعتی داریم و موافق شریعت ما واجب است که بمیرد زیرا خود را پسر خدا ساخته است. ⁸پس چون پیلاطس این را شنید، خوف بر او زیاده مستولی گشت. ⁹باز داخل دیوانخانه شده، به عیسی گفت: تو از کجایی؟ اما عیسی بدو هیچ جواب نداد. ¹⁰پیلاطس بدو گفت: آیا به من سخن نمی‌گویی؟ نمی‌دانی که قدرت دارم تو را صلیب کنم و قدرت دارم آزادت نمایم؟ عیسی جواب داد: هیچ قدرت بر من نمی‌داشتی اگر از بالا به تو داده نمی‌شد. و از این جهت آن کس که مرا به تو تسلیم کرد، گناه بزرگتر دارد. ¹²و از آن وقت پیلاطس خواست او را آزاد نماید، لیکن یهودیان فریاد برآورده، می‌گفتند که: اگر این شخص را رها کنی، دوست قیصر نیستی. هر که خود را پادشاه سازد، برخلاف قیصر سخن گوید.

¹³پس چون پیلاطس این را شنید، عیسی را بیرون آورده، بر مسند حکومت، در موضعی که به بلاط و به عبرانی جَبَّاناً گفته می‌شد، نشست. ¹⁴و وقت تهیه فصیح و قریب به ساعت ششم بود. پس به یهودیان گفت: اینک، پادشاه شما. ¹⁵ایشان فریاد زدند: او را بردار! بردار! صلیبش کن! پیلاطس به ایشان گفت: آیا پادشاه شما را مصلوب کنم؟ رؤسای کهنه جواب دادند که: غیر از قیصر پادشاهی نداریم. ¹⁶آنگاه او را بدیشان تسلیم کرد تا مصلوب شود. پس عیسی را گرفته بردند.

عیسی بر صلیب و مرگ او

¹⁷و صلیب خود را برداشته، بیرون رفت به موضعی که به جُمُوعه مسمی بود و به عبرانی آن را جُلْجُتَا

می‌گفتند.¹⁸ او را در آنجا صلیب نمودند و دو نفر دیگر را از این طرف و آن طرف و عیسی را در میان.¹⁹ و پیلاتس تقصیرنامه‌ای نوشته، بر صلیب گذارد؛ و نوشته این بود: عیسی ناصری پادشاه یهود.²⁰ و این تقصیر نامه را بسیاری از یهود خواندند، زیرا آن مکانی که عیسی را صلیب کردند، نزدیک شهر بود و آن را به زبان عبرانی و یونانی و لاتینی نوشته بودند.²¹ پس رؤسای گهته یهود به پیلاتس گفتند: منویس پادشاه یهود، بلکه که او گفت: منم پادشاه یهود.²² پیلاتس جواب داد: آنچه نوشتم، نوشتم.²³ پس لشکریان چون عیسی را صلیب کردند، جامه‌های او را برداشته، چهار قسمت کردند، هر سپاهی را یک قسمت؛ و پیراهن را نیز، اما پیراهن درز نداشت، بلکه تماماً از بالا بافته شده بود.²⁴ پس به یکدیگر گفتند: این را پاره نکنیم، بلکه قرعه بر آن بیندازیم تا از آن که شود، تا تمام گردد کتاب که می‌گوید: در میان خود جامه‌های مرا تقسیم کردند و بر لباس من قرعه افکندند. پس لشکریان چنین کردند.

²⁵ و پای صلیب عیسی، مادر او و خواهر مادرش، مریم زن کلویا و مریم مَجْدَلِیَّه ایستاده بودند.²⁶ چون عیسی مادر خود را با آن شاگردی که دوست می‌داشت ایستاده دید، به مادر خود گفت: ای زن، اینک، پسر تو!²⁷ و به آن شاگرد گفت: اینک، مادر تو! و در همان ساعت آن شاگرد او را به خانه خود برد.²⁸ و بعد چون عیسی دید که همه چیز به انجام رسیده است تا کتاب تمام شود، گفت: تشنه‌ام.²⁹ و در آنجا طرفی پُر از سرکه گذارده بود. پس اسفنجی را از سرکه پُر ساخته، و بر زوفا گذارده، نزدیک دهان او بردند.³⁰ چون عیسی سرکه را گرفت، گفت: تمام شد. و سر خود را پایین آورده، جان بداد.

³¹ پس یهودیان تا بدن‌ها در روز سَبْت بر صلیب نماند، چونکه روز تهیه بود و آن سَبْت، روز بزرگ بود، از پیلاتس درخواست کردند کهساق پایهای ایشان را بشکنند و پایین بیاورند.³² آنگاه لشکریان آمدند و ساقهای آن اوّل و دیگری را که با او صلیب شده بودند، شکستند. اما چون نزد عیسی آمدند و دیدند که پیش از آن مرده است، ساقهای او را نشکستند.³⁴ لکن یکی از لشکریان به پهلوی او نیزهای زد که در آن

وَاللَّاتِيَّة. ²¹ فَقَالَ رُؤَسَاءُ كَهَنَةِ الْيَهُودِ لِبِلَاطُسَ: لَا تَكْتُبَ مَلِكُ الْيَهُودِ، بَلْ إِنَّ ذَاكَ قَالَ: أَتَا مَلِكُ الْيَهُودِ. ²² أَجَابَ بِلَاطُسُ: مَا كَتَبْتُ قَدْ كَتَبْتُ. ²³ ثُمَّ إِنَّ الْعَسْكَرَ لَمَّا كَانُوا قَدْ صَلَبُوا يَسُوعَ أَخَذُوا ثِيَابَهُ وَجَعَلُوهَا أَرْبَعَةَ أَقْسَامَ، لِكُلِّ عَسْكَرِيٍّ قِسْمًا، وَأَخَذُوا الْقَمِيصَ أَيْضًا. وَكَانَ الْقَمِيصُ يَغْيِرُ خِيَاطَةً مَنْسُوجًا كُلُّهُ مِنْ قَوْنٍ. ²⁴ فَقَالَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ: لَا نَشَقُّهُ بَلْ نَقْتَرِعْ عَلَيْهِ لِمَنْ يَكُونُ، لِيَتِمَّ الْكِتَابُ الْقَائِلُ: "افْتَسِمُوا ثِيَابِي بَيْنَهُمْ وَعَلَى لِبَاسِي أَلْقُوا قُرْعَةً". ²⁵ هَذَا فَعَلَهُ الْعَسْكَرُ. وَكَانَتْ وَاقِفَاتٍ عِنْدَ صَلِيبِ يَسُوعَ أُمُّهُ وَأَخْتُ أُمِّهِ، مَرْيَمُ زَوْجَةُ كَلُوبَا، وَمَرْيَمُ الْمَجْدَلِيَّةُ. ²⁶ فَلَمَّا رَأَى يَسُوعَ أُمُّهُ وَالتِّلْمِيذَ الَّذِي كَانَ يُحِبُّهُ وَاقِفًا، قَالَ لَأُمِّهِ: يَا امْرَأَتِي، هُوَذَا ابْنُكَ. ²⁷ ثُمَّ قَالَ لِلتِّلْمِيذِ: هُوَذَا أُمُّكَ. وَمِنْ تِلْكَ السَّاعَةِ أَخَذَهَا التِّلْمِيذُ إِلَى خَاصَّتِيهِ.

موت یسوع

²⁸ بَعْدَ هَذَا رَأَى يَسُوعُ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ قَدْ كَمَلَ فَلِكَيْ يَتِمَّ الْكِتَابُ قَالَ: أَتَا غَطْسَانٌ. ²⁹ وَكَانَ إِنَاءٌ مَوْضُوعًا مَمْلُوءًا خَلًّا، فَمَلَأُوا إِسْفِنْجَةً مِنَ الْخَلِّ وَوَضَعُوهَا عَلَى رُوقَا وَقَدَّمُوهَا إِلَى فَمِهِ. ³⁰ فَلَمَّا أَخَذَ يَسُوعُ الْخَلَّ قَالَ: قَدْ أَكْمَلَ، وَتَكَسَّرَ رَأْسُهُ وَأَسْلَمَ الرُّوحُ.

³¹ ثُمَّ إِذْ كَانَ اسْتَعْدَادُ فَلِكَيْ لَا تَبْقَى الْأَجْسَادُ عَلَى الصَّلِيبِ فِي السَّبْتِ، لِأَنَّ يَوْمَ ذَلِكَ السَّبْتِ كَانَ عَظِيمًا، سَأَلَ الْيَهُودُ بِلَاطُسَ أَنْ تُكْسَرَ سِيَاقُهُمْ وَيُرْفَعُوا. ³² فَأَتَى الْعَسْكَرُ وَكَسَرُوا سَاقِي الْأَوَّلِ وَالْآخِرِ، الْمَصْلُوبِ مَعَهُ. ³³ وَأَمَّا يَسُوعُ فَلَمَّا جَاءُوا إِلَيْهِ لَمْ يَكْسِرُوا سَاقِيهِ لِأَنَّهُمْ رَأَوْهُ قَدْ مَاتَ، لَكِنَّ وَاحِدًا مِنَ الْعَسْكَرِ طَعَنَ جَنْبَهُ بِخَرِيزَةٍ وَلِلْوَقْتِ خَرَجَ دَمٌ وَمَاءٌ. ³⁵ وَالَّذِي غَابَنَ شَهِدَ وَشَهِادَتُهُ حَقٌّ وَهُوَ يَعْلَمُ أَنَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ لِنُؤْمِنُوا أَنْتُمْ. لِأَنَّ هَذَا كَانَ لِيَتِمَّ الْكِتَابُ الْقَائِلُ: "عَظْمٌ لَا يَكْسُرُ مِنْهُ". ³⁷ وَأَيْضًا يَقُولُ كِتَابُ آخَرٍ: "سَيَنْظُرُونَ إِلَى الَّذِي طَعَنُوهُ".

دفن یسوع

³⁸ ثُمَّ إِنَّ يُوسُفَ الَّذِي مِنَ الزَّامَةِ، وَهُوَ تَلْمِيذُ يَسُوعَ وَلَكِنْ خُفِيَةً لِسَبَبِ الْخَوْفِ مِنَ الْيَهُودِ، سَأَلَ بِلَاطُسَ أَنْ يَأْخُذَ جَسَدَ يَسُوعَ، فَإِذِنْ بِلَاطُسُ قَجَاءً وَأَخَذَ جَسَدَ يَسُوعَ. ³⁹ وَجَاءَ أَيْضًا نِيقُودِيمُوسُ، الَّذِي أَتَى أَوَّلًا إِلَى يَسُوعَ لَيْلًا، وَهُوَ حَامِلٌ مَزِيجَ مَرٍّ وَعُودٍ تَخَوُّ مِثَّةَ مَنَّا. ⁴⁰ فَأَخَذَا جَسَدَ يَسُوعَ وَلَقَاهُ بِأَكْفَانٍ مَعَ الْأَطْيَابِ كَمَا لِلْيَهُودِ عَادَةٌ أَنْ يُكْفَنُوا. ⁴¹ وَكَانَ فِي الْمَوْضِعِ الَّذِي صُلبَ

فِيهِ بُسْتَانٌ وَفِي الْبُسْتَانِ قَبْرٌ جَدِيدٌ لَمْ يُوضَعْ فِيهِ أَحَدٌ قَطُّ. ⁴² فَهَنَّاكَ وَصَعَا يَسُوعَ لِسَبَبِ اسْتِعْذَابِ الْيَهُودِ لِأَنَّ الْقَبْرَ كَانَ قَرِيبًا.

ساعت خون و آب بیرون آمد. ³⁵ و آن کسی که دید شهادت داد و شهادت او راست است و او می‌داند که راست می‌گوید تا شما نیز ایمان آورید. ³⁶ زیرا که این واقع شد تا کتاب تمام شود که می‌گوید: استخوانی از او شکسته نخواهد شد. ³⁷ و باز کتاب دیگر می‌گوید: آن کسی را که نیزه زدند خواهند نگرست.

دفن عیسی

³⁸ و بعد از این، یوسف که از اهل رامه و شاگرد عیسی بود، لیکن مخفی به سبب ترس یهود، از پیلاتس خواهش کرد که جسد عیسی را بردارد. پیلاتس إذن داد. پس آمده، بدن عیسی را برداشت. ³⁹ و نیکودیموس نیز که اوّل در شب نزد عیسی آمده بود، مُرّ مخلوط با عود قریب به صد رطل با خود آورد. ⁴⁰ آنگاه بدن عیسی را برداشته، در کفن با حنوط به رسم تکفین یهود پیچیدند. ⁴¹ و در موضعی که مصلوب شد باغی بود و در باغ، قبر تازه‌ای که هرگز هیچ‌کس در آن دفن نشده بود. ⁴² پس به سبب تهیّه یهود، عیسی را در آنجا گذاردند، چونکه آن قبر نزدیک بود.